



گفتگو با «علی احمدی نیا» خبرنگار و عکاس:

هنوز بهترین عکس را نگرفتیم!

مقدمه:

علی احمدی نیا را سالهاست می‌شناسیم، از اواخر دهه ۷۰ با مجله جوانان امروز همکاری دارد. مانند همه خبرنگاران خوب عرصه مطبوعات سختکوش و پیگیر است. گفتگوهای خوب و ماندگاری از او در مجله جوانان چاپ شده است. از گفتگو با «سیتا» (شیلا خدا داد) سریال مسافری از هند گرفته تا «مسلم بن عقیل» (امین زندگانی) سریال مختار، امین تارخ، پگاه آهنگرانی و... به واسطه شغلی که در جمعیت هلال احمر ایران داشته، بارها و بارها به مکه، مدینه و عتبات عالیات عراق سفر داشته و از حضور شیعیان ایرانی در مکانهای مقدس، هزاران فریم عکس دارد. حالا او بعد از سالها فعالیت در این عرصه، خبرنگار و عکاس قابلی شده است. همیشه او با هنرمندان مصاحبه می‌کرده ولی برای این شماره مجله ما او را غافلگیر کردیم تا در این گفتگو شرکت کند و از فعالیت‌های خود بگوید.

مجله جوانان امروز

لطفا خودتان را برای خوانندگان مجله جوانان امروز معرفی نمایید.

علی احمدی نیا هستم؛ متولد ۱۷ خرداد ۱۳۵۸؛ فارغ التحصیل رشته روابط عمومی.

از چه سنی و چطور وارد عرصه هنر عکاسی و خبرنگاری شدید

در دوره دبستان علیرغم همه کمبودهای موجود در آن زمان، به خبرنگاری و عکاسی علاقه شدید داشتم. دبستان و راهنمایی کار روزنامه دیواری انجام می‌دادم. مطالب مهم روزنامه‌ها را به صورت بریده جراید جمع‌آوری می‌کردم. سال ۱۳۷۴ دوره‌های آزاد خبرنگاری را در خانه روزنامه نگاران جوان گذراندم.

از سال ۱۳۷۷ فعالیت خبری را با هفته نامه "شاخص" و روزنامه "گنبد کبود" در حوزه سینمایی شروع کردم. سال ۱۳۷۸ همکاری با مجله جوانان امروز به عنوان خبرنگار هنری را آغاز کردم و این همکاری تا به امروز ادامه دارد.

شنیده ایم در هر دو عرصه عکاسی و خبرنگاری فعالیت دارید لطفا توضیح دهید که بیشتر در چه حوزه در خبر و چه سبکی در عکاسی فعالیت می‌کنید؟

بله در هر دو عرصه خبرنگاری و عکاسی فعالیت دارم. در این سالها متکی به یک حوزه خبری نبودم. معتقدم یک خبرنگار یا عکاس باید مثل یک فوتبالیست توانایی داشته باشد که در هر پستی بتواند بازی کند. یک خبرنگار باید بتواند در هر حوزه خبری باتوجه به اطلاعات و اشراف خبری در آن حوزه فعالیت خبری داشته باشد. من در حوزه‌های خبری سینمایی، موسیقی، اجتماعی، سلامت، سیاسی، بین الملل. در مجلس ششم تا مجلس دهم به عنوان عکاس خبری جهت پوشش تصویری جلسات علنی مجلس حضور داشتم. از سال ۸۹ لغایت ۹۲ با توجه به شغلم در هلال احمر کشور، مسئولیت هماهنگی و پوشش خبری

تیمهای درمانی به عتبات عالیات عراق، سوریه و عربستان را برعهده داشتم.

یک عکس چه تاثیری می تواند بر مخاطب داشته باشد؟

تاثیر گذاری یک عکس به دغدغه عکاس برمی گردد. اگر موضوع مورد اشاره عکاس در عکس موضوع راهگشایی و طرح مسئله باشد، به یقین تاثیر گذار خواهد بود.

الان تقریبا هر خانواده صاحب دوربین است آیا این امر به افزایش تعداد عکسهای خوب کمک کرده است؟

بدون شک کمک می کند. هر چه بیشتر به این سمت برویم، هنر عکاسی جان می گیرد. رشد می کند و تاثیر می گذارد. آرزوی من این است که هر شهروند ایرانی روزی یک عکاس شود.

برای پیشرفت در این رشته داشتن تحصیلات دانشگاهی ضروری است؟

بدون شک تحصیلات آکادمیک گامی موثر در جهت پیشرفت در هر رشته خواهد بود. حتی سیستم فشل آموزش در ایران هم می تواند کمک کند. همین که در پایان می فهمید چیزی نمی دانید، خودش یک گام به جلو است!

آیا با حضور شهروند خبرنگارها و گسترش عکاسی با موبایل، جایگاه عکاسان خبری حرفه‌ای تهدید خواهد شد؟

نه، قبل تر هم وقتی اینترنت عمومی شد، خیلی ها اینترنت را تهدیدی برای ژورنالیسم و عکاسی خبری می دانستند اما اتفاقی نیفتاد. بعد، وقتی دوربین دیجیتال وارد شد، باز گفتند عکاسی خبری به پایان رسیده اما این اتفاق نیفتاد و اتفاقا کیفیتش بهتر شد. الان هم خیلی ها ترویج دوربینهای موبایل را تهدیدی برای عکاسی خبری می‌دانند اما من مخالفم و این اتفاق را یک قدم به جلو می‌دانم.

فرق عکاس خبری با دیگران این است که عکاس باید ایده و تفکر پشت کارهایش داشته باشد و مولف باشد به همین دلیل شاید بتوان گفت که تاریخ مصرف تک عکس برای عکاسان زنده به پایان رسیده و کسی با تک عکس نمی‌تواند ادعای عکاس بودن کند. عکاس باید ایده داشته باشد، نویسندگی و عکاسی بلد باشد تا بتواند داستان پردازی کند.

به نظر شما عکاسی خبری بر چه اصولی استوار است؟

این نظر شخصی من است. به نظر من عکاسی خبری بر سه پایه استوار است؛ خبر هنر و واسطه بیانی.

به نظر من عکاسی دارای این سه نوع بیان است (البته من اینطور فکر می‌کنم). واقعیت این است که حتی در این رسالتها نیز مرزها مخدوش است. البته زیاد شنیده ام که فلان عکس امپرسیونیستی است و فلان یکی اکسپرسیونیستی است، اما واقعیت این است که باید اینجوری بیان شود: این عکس شبیه نقاشیهای امپرسیونیستی است... اما به صورت شکلی می‌شود عکاسی را دسته بندی کرد: عکاسی خبری، حیات وحش، پرتره، لنداسکیپ، استودیویی، فوتومونتاژ و دهها عنوان دیگر...

در عکاسی خبری یا همان فوتوژورنالیسم هم خود خبر و سوزه مهم است و هم هنر انتقال آن و هم واسطه بیانی آن پیام اما هدف اصلی آنها خبر رسانی است. به گفته خیلی از کارشناسان رسانه، عکاس خبری، مانند نویسندگان مقاله و خبرنگار خبر هستند اما با زبان تصویر.

اساسا عکاسی به شما می آموزد تفاوتی بین دیدن و نگاه کردن وجود دارد. باید به پدیده‌ها نگاه کنیم. به شما نظام ذهنی می‌دهد. یک عکاس با تجربه، حافظه تصویری بهتری نسبت به گذشته خودش دارد.

فوتوژورنالیسم، هنری است که برای قصه‌گویی عکاسانه به کار گرفته می‌شود تا زندگی را مستند کند. فوتوژورنالیسم ما را به عکسهایی ارجاع می‌دهد که یک داستان را بیان می‌کند؛ مثل عکسهایی که در رسانه‌های خبری می‌بینیم یا مجلات، گاه‌نامه‌ها یا هفته‌نامه‌ها. این عکسها می‌تواند دربر گیرنده عکاسی مستند، عکاسی تبلیغاتی، عکاسی در صحنه، عکاسی ورزشی، زندگی جاری، علایق انسانی و به تصویر کشیدن شیوه معاصر و رایج زندگی باشد.

عکاسی مستند و هنری را بیشتر می‌پسندید یا عکاسی تجاری را؟

این تعاریف غلط است. این تقسیم بندی ما را به جایی نمی‌رساند. من فقط یک کلمه بدم و آن عکس تاثیر گذار است!

بهترین عکستان را کجا گرفته اید؟

من هنوز بهترین عکسم را نگرفتم! به نظرم بهترین عکس وجود ندارد. مثل اینکه بگوییم بهترین مادر دنیا!

از عکاسی آنالوگ و دیجیتال کدام را بیشتر می‌پسندید؟

هر کدام از این دو روش در جای خود معایب و مزایایی دارند. عکسهای دیجیتال آسانتر و سریعتر است و نتیجه کار را در لحظه ای می‌توان دید. عکاسی با فیلم یا همان عکاسی آنالوگ نیز طرفداران زیادی دارد و بسیاری از عکاسان با آن همچنان انس دارند. شاید دلیل آن فرار از هزینه بالا و سرسام آور دوربین‌های دیجیتالی است... در هر صورت باید با علم و تکنولوژی روز گام برداشت و لاجرم باید به این سو یعنی عکاسی الکترونیکی و دیجیتالی رفت.

برای موفقیت در عکاسی چه پیشنهادی دارید؟

آزادی عمل در چارچوب باورها و اعتقادهای موجود در جامعه به نحوی که با عکاس مغرضانه برخورد نشود و عکاس بتواند به راحتی دید اجتماعی و انتقادی خود را از دریچه دوربین ثبت و به مخاطبان القا کند.

اگر قرار باشد به یکی از این مناطق کشور برای عکاسی برگردی، کجا را انتخاب می‌کنی؟

بی شک گیلان... وجب به وجب گیلان زیباست و طبیعت بی نظیری دارد. هر فصل گیلان برای من رنگ و بوی خاصی دارد. من در گیلان خیلی عکاسی کردم و باز هم دوست دارم